



«حلقات»

درس صد و دوازدهم

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای عطایی کمال

بحث از دلالت های ادله شرعی غیر لفظی (لُبّی) در دو قسمت زیر مطرح می شود:

الف) دلالت های فعل معصوم

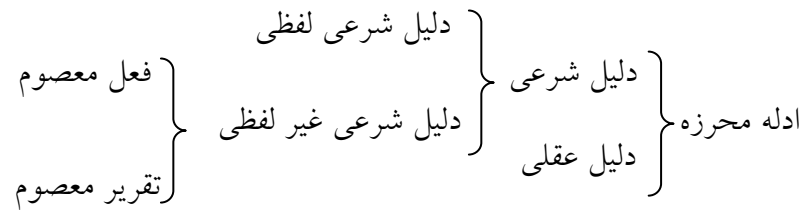
ب) دلالت های قول معصوم

در درس گذشته محدوده دلالت فعل معصوم مورد بررسی قرار گرفت، در این درس، ضمن ارائه تعریفی از تقریر معصوم،

از آنچه که تقریر بر آن دلالت دارد سخن گفته و سه راه برای رسیدن به حجّیت آن بیان می کنیم.

سكوت المعصوم عن موقف يواجهه يدل على إيمائه، اما على أساس عقلي باعتبار انه لو لم يكن ال موقف متفقاً مع غرضه،
لكان سكوته نقضاً للغرض، أو باعتبار انه لو لم يكن الموقف سائناً شرعاً لوجب على المعصوم الردع عنه و التنبيه، و اما على
أساس استظهارى باعتبار ظهور حال المعصوم فى كونه بصدد المراقبة و التوجيه.

معنای تقریر معصوم



تقریر معصوم همان امضاء و تأیید یک عملکرد توسط معصوم است که از سکوت او در برابر آن عملکرد فهمیده می شود. توضیح: هرگاه معصوم با یک اعتقاد یا رفتاری مواجه شود و در مقابل آن سکوت اختیار کند از سکوت او امضاء و تأیید آن اعتقاد یا رفتار برداشت می شود.

سؤال: بچه اساسی ادعا می کنیم سکوت معصوم مساوی و ملازم با امضاء و تأیید او می باشد؟

جواب: شهید صدر (ره) سه وجه برای این ملازمه مطرح می کند که دو وجه اول آن عقلی و وجه سوم استظهاری است.

وجه اول:

الف) معصوم، شارع و یا نماینده شارع است و غرض شارع از جعل احکام این است که بندگان ملاکات و مصالح احکام را استیفاء کنند.

ب) اگر معصوم با فعلی که مخالف شرع است مواجه شود و سکوت اختیار کند و بندگان خدا را از آن فعل نهی نکند، با این سکوت، نقض غرض از جعل احکام پیش می آید.

ج) نقض غرض از عاقل ملتفت، عقلاً قبیح است و محال است معصوم مرتکب امر قبیحی شود.

نتیجه: سکوت معصوم در برابر فعلی بر عدم مخالفت آن فعل با شریعت دلالت می کند و این همان امضاء و تأیید معصوم است.

وجه دوم:

الف) معصوم نیز مانند دیگران مکلف به نهی از منکر است.

ب) اگر معصوم در برابر عملکردی که منکراً محسوب می شود سکوت کند (ردع و نهی نکند) این سکوت، معصیت و ترک تکلیف محسوب می شود.

ج) معصیت عقلا قبیح است و محال است معصوم مرتکب امر قبیحی شود.

نتیجه: از سکوت معصوم درباره آن فعل، فهمیده می شود که فعل مذکور خلاف شرع نیست .

اشکال به وجه دوم

تبیین اشکال: اگر کسی از روی جهل دچار اشتباهی شود نمی توان فعل او را منکر نامید و به تبع آن نمی توان معصوم را موظف به ردع او از فعل آن دانست. بنابراین ممکن است سکوت معصوم در برابر بسیاری از عملکردها به دلیل عدم تحقق منکر توسط مکلف باشد و در این صورت نمی توان سکوت را دال بر تأیید دانست.

پاسخ از اشکال: ما معصوم را علاوه بر اینکه مکلف به نهی از منکر می دانیم مکلف به تعلیم و ارشاد جاهل نیز می دانیم. بنابراین اگر معصوم در موقعی سکوت کرد نشان دهنده این است که فعل انجام شده با تعلیمات شرعی مخالفی ندارد و مورد تأیید است و گرنه یا معصوم از آن فعل نهی می کرد و یا به ارشاد و تعلیم فاعل جاهل می پرداخت.

وجه سوم:

این وجه ماهیتاً با دو وجه پیش متفاوت است و اساس آن نه یک قضیه عقلی، بلکه استظهاری است که ما از حالت حاکم بر قول و فعل و سلوک معصوم داریم .

این وجه را در دو بند تبیین می کنیم:

الف) معصوم، امام و حجت بر مسلمین است و از آنجا که مسئول تبلیغ شریعت، مراقبت از دین و بر طرف کننده انحرافات و کجروی ها است، حالت حاکم بر قول و فعل او به گونه ای است که به واسطه آن، از دین صیانت شده و جلوی کجروی ها گرفته می شود.

ب) مقتضای این ظاهر حال چنین است که وقتی معصوم در برابر موقعی سکوت می کند آن را انحراف نمی داند.

نتیجه : پس سکوت معصوم در برابر فعلی به معنای تأیید آن فعل است.

نکته: وجه سوم وقتی قابل تمسک است که بتوان از ادله دیگر ثابت کرد که ظاهر حال معصوم حجت است.

چکیده:

۱. سکوت معصوم در برابر رفتار دیگران، امضاء و تأیید آن به شمار می آید، و بر این مطلب دلالت می کند که آن رفتار مخالف شرع نیست.

۲. ملازمه سکوت معصوم در برابر یک فعل با تأیید آن توسط معصوم، با سه دلیل قابل اثبات است:

الف) دلیل عقلی: اگر آن موقف مخالف شرع باشد و معصوم سکوت کند، نقض غرض شارع از جعل احکام لازم می آید.

ب) دلیل عقلی دیگر: اگر آن موقف مخالف شرع باشد و معصوم سکوت کند ترک تکلیف شرعی نهی از منکر توسط معصوم لازم می آید.

ج) دلیل استظهاری: بطور کلی اقتضای ظاهر حال معصوم - که در تمامی حالات در صدد تبلیغ شریعت است - این است که اگر در جایی سکوت کرد در آن مورد مخالفت با امر شرعی صورت نگرفته است.